

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده آموزش‌های الکترونیکی

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی حقوق جزا و جرم‌شناسی

صلاحیت رسیدگی به جرائم ارتكابی در مناطق اشغالی  
با تأکید بر جنگ‌های عراق و افغانستان

به وسیله‌ی  
غلامرضا چاه‌آبی

استاد راهنما  
دکتر فضل‌الله فروغی

اسفند ماه ۱۳۸۸

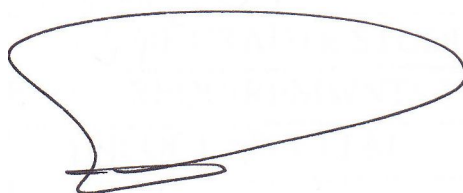
به نام خدا

## اظهار نامه

اینجانب علیرضا چاه آبی دانشجوی رشته ی حقوق گرایش جزا و جرم شناسی دانشکده ی آموزش های الکترونیکی اظهار می کنم که این پایان نامه حاصل پژوهش خودم بوده و در جاهایی که از منابع دیگران استفاده کرده ام، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن را نوشته ام. همچنین اظهار می کنم که تحقیق و موضوع پایان نامه ام تکراری نیست و تعهد می نمایم که بدون مجوز دانشگاه دستاوردهای آن را منتشر ننموده و یا در اختیار غیر قرار ندهم. کلیه حقوق این اثر مطابق با آیین نامه مالکیت فکری و معنوی متعلق به دانشگاه شیراز است.

نام و نام خانوادگی: غلامرضا چاه آبی

تاریخ و امضاء: ۱۳۸۹/۲/۱۴



به نام خدا

صلاحیت رسیدگی به جرائم ارتكابی در مناطق اشغالی با تأکید بر  
جنگ های عراق و افغانستان

به کوشش:

غلامرضا چاه آبی

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه شیراز به عنوان بخشی از فعالیت های  
تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته ی:

حقوق جزا و جرم شناسی

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی کمیته پایان نامه با درجه ی: بسیار خوب  
دکتر فضل الله فروغی، استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی (رئیس کمیته) .....  
دکتر عباس منصورآبادی استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی .....  
دکتر محمد امامی دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی .....

اسفندماه ۱۳۸۸

تقدیم به:

پیشگاه احدیت، تقدیم به ساحت مقدس سارگان ولایت و  
امامت، تقدیم به یگانه منجی عالم بشریت و تقدیم به همه انسان‌هایی که  
در راه تحقق تعالی اسلام و ولایت گام برمی‌دارند.

## سپاسگزاری

اکنون که به حول قوه الهی انجام این پژوهش به پایان رسیده است بر خود وظیفه می‌دانم از تمام کسانی که در این راه مرا یاری نموده‌اند صمیمانه تشکر و سپاسگزاری کنم.

از استاد گرانمایه و راهنمایم جناب آقای دکتر فضل‌الله فروغی که در انجام این پژوهش یاری‌گر من بودند قدردانی می‌کنم.

از اساتید محترم مشاور آقایان دکتر عباس منصورآبادی و دکتر محمد امامی که همواره از ارشادات و مشاوره آنان بهره بردم تشکر می‌نمایم.

از پدر، مادر و همسر وفادارم که در طول سالیان تحصیل زحمات فراوانی را متحمل شدند نیز تشکر می‌کنم.

و از زحمات تمامی مسئولین محترم دانشکده و اساتید محترم که بر دانش من افزودند نیز مجدداً تشکر و قدردانی می‌نمایم.

## چکیده

### صلاحیت رسیدگی به جرایم ارتكابی در مناطق اشغالی با تأکید بر جنگ‌های عراق و افغانستان

به کوشش:

غلامرضا چاه‌آبی

اشغال نظامی یک کشور توسط کشور دیگر از جمله مسائلی است که از دیرباز مطرح بوده و همچنین تعیین قلمرو حاکمیت و تعیین قانون و مرجع صالح هریک از دول اشغالگر و اشغال شده در این مکان (منطقه اشغال شده) با توجه به مجموعه شرایط و مقررات حاکم بر آن از اوایل قرن بیستم میلادی موضوع برخی از قراردادهای و اسناد بین‌المللی قرار گرفته و همچنان نیز یکی از مسائل مهم علمی و حقوقی کشورهای جهان می‌باشد. تنوع جرایم ارتكابی در چنین مناطقی و نیز گستره‌ی قلمرو حاکمیت کشورهای متعدد (طرف جنگ) در آن، تعیین حدود صلاحیت کیفری و مبنای حقوقی مداخله هر یک از این کشورها از جمله مباحث حقوقی است. در این زمینه ضمن بحث در خصوص قلمرو حاکمیت و اشغال نظامی پی خواهیم برد، که دقیقاً "جرم یا جرایم ارتكابی در چنین مناطقی (زمان و مکان اشغال) در صلاحیت کدام کشور است که این موضوع با تأکید بر دو کشور اشغال شده نظامی (عراق و افغانستان) و بنابراین فرضیه که هر یک از جرایم عمومی، نظامی و بین‌المللی بر حسب مورد می‌تواند موضوع صلاحیت یکی از کشورهای اشغال شده، اشغالگر و یا حتی مراجع صالح بین‌المللی قرار گیرد، مورد تحقیق قرار گرفته است.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
<b>فصل اول: مفهوم اشغال نظامی و حدود صلاحیت</b>	
۴	مبحث نخست: مفهوم قلمرو حاکمیت و محدودیت‌های آن
۴	گفتار نخست: مفهوم و قلمرو حاکمیت
۱۳	گفتار دوم: محدودیت‌های حاکمیت
۱۷	مبحث دوم: مفهوم اشغال نظامی
۱۷	گفتار نخست: مفهوم و ماهیت اشغال نظامی
۱۷	الف: مفهوم اشغال نظامی
۲۰	ب: ماهیت اشغال نظامی
۲۱	گفتار دوم: انواع اشغال نظامی
۲۱	الف: اشغال با مصلحت (دوستانه)
۲۳	ب: اشغال نظامی (خصمانه)
۲۳	مبحث سوم: مفهوم و حدود صلاحیت کیفری
۲۴	گفتار نخست: مفهوم صلاحیت کیفری
۲۵	گفتار دوم: انواع صلاحیت کیفری
۲۵	الف: به اعتبار مقام اعمال کننده آن
۲۸	ب: به اعتبار قلمرو مکانی آن
۲۹	۱- صلاحیت سرزمینی
۳۲	۲- صلاحیت‌های فراسرزمینی
۳۲	۱-۲- صلاحیت شخصی مثبت



ب- صلاحیت شخصی منفی .....	۳۹
ج- صلاحیت واقعی (حمایتی) .....	۳۲
د- صلاحیت جهانی .....	۴۴
۳- صلاحیت کیفری بین‌المللی .....	۴۸
گفتار سوم: تعارض صلاحیت در حقوق بین‌الملل .....	۵۱

### فصل دوم: صلاحیت کیفری در مناطق اشغال شده عراق و افغانستان

مبحث نخست: صلاحیت کیفری در منطقه اشغال شده .....	۵۳
گفتار نخست: مفهوم و مبانی صلاحیت کیفری در منطقه اشغال شده .....	۵۴
گفتار دوم: جرایم مورد بحث در منطقه اشغال شده .....	۵۵
گفتار سوم: مراجع صالح در منطقه اشغال شده .....	۶۰
مبحث دوم: وضعیت حقوقی مناطق اشغال شده عراق و افغانستان .....	۶۶
گفتار نخست: آثار و تبعات حقوقی مشترک .....	۶۶
الف: اموال .....	۶۶
۱- اموال دولتی .....	۶۶
۲- اموال غیردولتی .....	۶۶
ب: سکنه .....	۶۷
۱- حق حیات، آزادی و حیثیت فردی اتباع کشور اشغال شده .....	۶۸
۲- حقوق بیگانگان حاضر در سرزمین‌های اشغالی .....	۶۸
گفتار دوم: وضعیت حقوقی مناطق اشغال شده عراق .....	۶۹
۱- نقض حاکمیت قانونی .....	۶۹
۲- عدم ایجاد نظم و تأمین امنیت در مناطق اشغالی .....	۷۰
۳- ایجاد بازداشتگاه‌های غیرقانونی در عراق و شکنجه زندانیان در این‌گونه بازداشتگاه‌ها .....	۷۰
۴- استفاده از روش‌های غیرمجاز در سرکوب قیام‌های مردمی علیه اشغال‌کنندگان .....	۷۰
۵- تحدید حقوق و آزادی‌های مذهبی و دینی .....	۷۱
۶- عدم رعایت اصل حمایت یا اسیر جنگی بودن .....	۷۱
گفتار سوم: وضعیت حقوقی مناطق اشغال شده افغانستان .....	۷۲
۱- تفاوت میان اهداف نظامی و غیرنظامی در مناطق اشغالی .....	۷۲
۲- بازداشت‌های غیرقانونی .....	۷۳

- ۳- استفاده از سلاح‌های دارای اثرات انفجاری نامحدود ..... ۷۳
- ۴- انتقال اسرای جنگی بازداشت شده به خارج از افغانستان (مانند بازداشتگاه‌های گوانتانامو) و خارج نمودن آن‌ها از وضعیت اسیران جنگی و اعمال رفتار غیرانسانی در مورد آنان ..... ۷۳
- ۵- تأسیس بازداشتگاه‌ها در داخل خاک افغانستان، بازپرسی و شکنجه افغان‌ها در داخل قلمرو دولت افغانستان. .... ۷۳
- ۶- عدم ارسال کمک‌های غذایی و بهداشتی به مردم غیرنظامی افغانستان ..... ۷۳
- ۷- ایجاد یک دولت دست‌نشانده بعد از اشغال افغانستان..... ۷۴
- ۸- نادیده گرفتن نقش صلیب سرخ جهانی در اجرای حقوق بشردوستانه ..... ۷۴
- مبحث سوم: ارزیابی جرایم ارتكابی و صلاحیت رسیدگی به آن در مناطق اشغال شده عراق و افغانستان ..... ۷۵
- گفتار نخست: جرایم ارتكابی و صلاحیت رسیدگی به آن در مناطق اشغال شده عراق ..... ۷۶
- الف: جرایم ارتكابی در مناطق اشغال شده عراق ..... ۷۶
- ۱- ناامنی و اغتشاش در عراق اشغالی ..... ۷۷
- ۲- گسترش روسپی‌گری در عراق اشغالی ..... ۸۰
- ۳- رشد تروریسم پس از اشغال عراق ..... ۸۲
- ب: صلاحیت رسیدگی به جرایم ارتكابی در مناطق اشغال شده عراق ..... ۸۲
- گفتار دوم: جرایم ارتكابی و صلاحیت رسیدگی به آن در مناطق اشغال شده افغانستان ..... ۸۴
- الف: جرایم ارتكابی در مناطق اشغال شده افغانستان ..... ۸۵
- ۱- استفاده از بمب‌های خوشه ای ..... ۸۵
- ۲- استفاده از اورانیوم رقیق شده ..... ۸۶
- ۳- آزار و اذیت و قتل اسرای جنگی ..... ۸۷
- ۴- حمله به غیرنظامیان ..... ۸۹
- ب: صلاحیت رسیدگی به جرایم ارتكابی در مناطق اشغال شده افغانستان ..... ۹۱
- نتیجه‌گیری ..... ۹۱
- منابع و ماخذ ..... ۹۸

## مقدمه

گسترش ارتباطات و فناوری و نیز توسعه و پیشرفت علوم و فنون و تکنولوژی از جمله وسایل حمل و نقل در روابط افراد، سازمان‌ها و دولت و به ویژه انگیزه زیاده‌خواهی و توسعه‌طلبی قدرت‌ها در سطح جوامع بشری موجبات افزایش میزان جرایم ارتكابی در خارج از قلمرو حاکمیت دولت‌ها توسط دولت‌ها، مقامات عالی‌رتبه و یا اتباع آن‌ها را فراهم نموده است. علاوه بر این‌ها امروزه ارتكاب برخی از جرایم اشکال نوینی به خود گرفته است که با شیوه‌های ابتدایی آن تفاوت دارد.

قاچاق انسان، اسلحه، مواد مخدر، تروریسم به صورت یکی از تبعات اعمال بزهکارانه بین‌المللی ظاهر شده و در زمره معضلات کنونی مراجع قضایی و نیز دستگاه‌های پلیسی و امنیتی کشورها به شمار می‌روند.

یکی از جمله مسائلی که همواره موضوع بحث حقوق جزای بین‌الملل بوده و به طور خاص نیاز به بررسی همه‌جانبه دارد مسئله اشغال نظامی قسمتی از خاک یک کشور توسط کشور دیگر و ارتكاب جرایمی در زمان اشغال و در ناحیه اشغال شده می‌باشد. در این میان زمانی که کشوری توسط کشور دیگری اشغال می‌شود در زمان و مکان اشغال، نوع جرایم ارتكابی، مرتکبین جرایم که ممکن است از اتباع دولت اشغالگر یا دولت اشغال شده باشند، نحوه ارتكاب جرایم و به ویژه مسئله تعیین قانون و مرجع قضایی صالح برای رسیدگی به این نوع جرایم، همگی از مسائل مهم و موثر حقوقی است که نیازمند مطالعه و پژوهشی درخور و شایسته می‌باشد. بدیهی است مقررات داخلی و حتی سایر مقررات بین‌المللی در حوزه صلاحیت کیفری مانند صلاحیت سرزمینی، صلاحیت شخصی و... کاملاً پاسخگوی رفع نیازهای موجود در زمینه مسائل فوق‌الذکر (زمان و مکان اشغال) نمی‌باشد. بنابراین برای بررسی و شناسایی مسائل مطرح شده در زمینه مورد بحث با تأکید بر دو جنگ عراق و افغانستان به منظور تحلیل حقوقی آن، پیشگیری و مبارزه مناسب با جرایم ارتكابی در زمان و مکان اشغال و در دو کشور مذکور ضرورت انجام تحقیق کامل و مستقلی را می‌طلبد. از همین رو نگارنده بر آن شد تا به راهنمایی و هدایت اساتید محترم پایان‌نامه خود را در زمینه صلاحیت رسیدگی به جرایم ارتكابی در مناطق اشغالی با تأکید بر جنگ‌های عراق و افغانستان انتخاب و با مطالعه منابع متعدد و متنوع موجود نتیجه و دستاورد تحقیق حاضر را جهت استفاده مراجع قانونگذاری و کارگزاران

دستگاه‌های قضایی و نیز مطالعه علمی دیگران، تدوین و تقدیم نماید.

اگر چه در زمینه صلاحیت کیفری در حقوق جزای داخلی و بین‌المللی امروزه کتب و مقالات متعددی به رشته تحریر در آمده است اما هیچ کدام از این منابع به طور خاص و مستقل به بررسی موضوع مورد بحث نپرداخته‌اند یا حداکثر در بعضی از این منابع تنها به طور اجمالی و در حد یک یا چند صفحه به آن پرداخته شده است. به عنوان مثال کتاب جستارهایی از حقوق جزای بین‌الملل تألیف آقای دکتر علی خالقی [انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، تهران، ۱۳۸۸] و کتاب حقوق جزای بین‌الملل تألیف آقای دکتر حسن‌پور بافرانی [انتشارات جنگل، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۸] و کتاب حقوق کیفری بین‌الملل تألیف آقای دکتر حسینقلی حسین‌نژاد [انتشارات میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳] و کتاب حقوق جزای بین‌الملل (مجموعه مقالات) آقای دکتر حسین میرمحمد صادقی [انتشارات میزان، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۶] و کتاب حقوق بین‌الملل کیفری (گزیده مقالات) تألیف آقای دکتر محمدعلی اردبیلی [انتشارات میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷] و کتاب حقوق بین‌المللی کیفری تألیف کریانگساک کیتیچاری، ترجمه آقایان بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی [انتشارات سمت، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳] به موضوع اشاره نموده است.

تنها منبعی که ظاهراً در زمینه موضوع مورد بحث ما به زبان فارسی وجود دارد می‌توان به کتاب آقای دکتر قدرت‌الله واحدی تحت عنوان مبحثی از حقوق جزایی بین‌المللی رسیدگی به جرایم ارتكابی در سرزمین‌های اشغال شده [انتشارات میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰] اشاره نمود که البته این کتاب نیز به طور بسیار مختصر و محدود و آن هم پیرامون مسائل کلی اشغال در سال‌ها پیش تألیف گردیده است در حالی که در طول سال‌های اخیر خصوصاً در جریان دو جنگ داخل عراق و افغانستان توسط نیروهای اشغالگر مسائل جدیدی رخ داده است که قطعاً در منابع داخلی و بین‌المللی نیاز به بحث و بررسی خاصی دارند که در منابع موجود تا کنون این مهم انجام نشده است.

به هر حال هدف نگارنده از تحقیق حاضر پاسخگویی به این سؤال اصلی می‌باشد که: «رسیدگی به جرایم ارتكابی در مناطق اشغال شده نظامی (با تأکید بر دو کشور عراق و افغانستان) در صلاحیت کیفری کدامیک از کشور یا کشورهای اشغالگر یا اشغال شده و یا مرجع دیگری می‌باشد؟»

در پاسخ به این سؤال فرضیه تحقیق را نیز می‌توان به شرح زیر بیان نمود که: «جرایم خاص نظامی و مربوط به مسئله اشغال توسط نیروهای اشغالگر در محل اشغال شده و در زمان اشغال در صلاحیت کیفری کشور یا کشورهای اشغالگر می‌باشد».

در همین راستا نگارنده با مطالعه منابع متعدد و متنوع فارسی و لاتین به طور کلی در مباحث حقوق جزای بین‌الملل به روش کتابخانه‌ای این پایان‌نامه را به رشته تحریر در آورده است. یعنی با شناسایی منابع مرتبط با موضوع (مستقیم و غیرمستقیم) و مطالعه آن‌ها نکات

مورد نظر را در فیش‌های تحقیق گردآوری و سپس با تبویب موضوعی آن و نهایتاً بررسی تفصیلی و تحلیل حقوقی موضوع بر اساس فهرست مطالب به نگارش نهایی تحقیق اقدام نموده است. لذا محتوای این پایان‌نامه از یک مقدمه و دو فصل و یک نتیجه‌گیری نهایی تشکیل یافته است. فصل اول تحت عنوان مفهوم اشغال نظامی و حدود صلاحیت کیفری متشکل از سه مبحث می‌باشد که مبحث نخست آن به بررسی مفهوم قلمرو حاکمیت و محدودیت‌های آن با دو گفتار نخست مفهوم و قلمرو حاکمیت و دوم محدودیت‌های حاکمیت و مبحث دوم نیز به بررسی مفهوم اشغال نظامی با دو گفتار نخست مفهوم و ماهیت اشغال نظامی و دوم انواع اشغال نظامی و در نهایت مبحث سوم به بحث و بررسی مفهوم و حدود صلاحیت کیفری اختصاص داده شده که گفتار نخست به مفهوم صلاحیت کیفری و گفتار دوم به انواع صلاحیت کیفری پرداخته است. فصل دوم نیز تحت عنوان صلاحیت کیفری در مناطق اشغال شده عراق و افغانستان متشکل از سه مبحث می‌باشد، مبحث نخست به صلاحیت کیفری در منطقه اشغال شده می‌پردازد که در گفتار نخست پیرامون مفهوم و مبانی و در گفتار دوم جرایم مورد بحث و در گفتار سوم هم در مورد مراجع صالح بحث گردیده است در مبحث دوم نیز به وضعیت حقوقی مناطق اشغال شده عراق و افغانستان با سه گفتار، که در گفتار نخست آثار و تبعات حقوقی مشترک و در گفتار دوم وضعیت حقوقی مناطق اشغال شده عراق و در گفتار سوم نیز وضعیت حقوقی مناطق اشغال شده افغانستان بیان شده است. در مبحث سوم هم به ارزیابی جرایم ارتكابی و صلاحیت رسیدگی به آن در مناطق اشغال شده عراق و افغانستان با دو گفتار نخست جرایم ارتكابی و صلاحیت رسیدگی به آن در مناطق اشغال شده عراق و گفتار دوم جرایم ارتكابی و صلاحیت رسیدگی به آن در مناطق اشغال شده افغانستان اشاره شده است. در آخر تحقیق نیز نتیجه‌گیری نهایی ارائه گردیده است.

## فصل اول: مفهوم اشغال نظامی و حدود صلاحیت کیفری

در این فصل ابتدا به تعریف حاکمیت و قلمرو آن و محدودیت‌های وارد بر حاکمیت اشاره شده، سپس مفهوم اشغال نظامی و انواع آن را توضیح داده در پایان نیز به بیان مفهوم صلاحیت کیفری و انواع آن پرداخته می‌شود.

### مبحث نخست: مفهوم قلمرو حاکمیت و محدودیت‌های آن

یکی از مباحث عمده‌ای که نقش موثری در تبیین صلاحیت دارد توصیف مفهوم قلمرو حاکمیت و محدودیت‌های وارد بر آن است. ابتدا باید قلمرو حاکمیت را شناخت و محدودیت‌های وارده را ذکر نمود تا پس از آن بتوان راجع به مسئله اشغال و صلاحیت و اعمال آن در خارج یا داخل قلمرو حاکمیت به بحث و بررسی پرداخت. از این رو در این قسمت ابتدا به بیان مفهوم قلمرو حاکمیت پرداخته پس از آن به بیان مسائل اشغال و صلاحیت اشاره می‌شود.

#### گفتار نخست: مفهوم قلمرو حاکمیت

مفهوم حاکمیت از زمان‌های بسیار قدیم و شاید از ابتدای تشکیل جوامع بشری وجود داشته است. اما اصطلاح حاکمیت در قرن شانزدهم میلادی برای اولین بار از سوی «ژان بدن» مطرح شد. از نظر «بدن» حاکمیت عبارت است از «قدرت عالی و نهایی دولت بر اتباع آن‌ها که مطلق و دائمی است»<sup>۱</sup>.

حاکمیت در لغت به معنای برتری و تفوق است و در اصطلاح یعنی حق صدور اوامر و نواهی از طرف مافوق و الزام افراد به تبعیت و اطاعت از آن اوامر و نواهی، پس در مفهوم حاکمیت معنای برتری نسبی قدرت در مقایسه با هر قدرتی در قلمرو کشور نهفته است و این قدرت مافوق قدرت‌ها حق صدور اوامر و نواهی را به هیئتی خاص که ما از آن به «دولت» تعبیر

---

۱- جمشید شریفیان، «بین‌المللی شدن حقوق بشر»، فصل‌نامه سیاست خارجی، سال پانزدهم، ش ۳، پاییز ۱۳۸۰، ص ۸۰۲.

می‌کنیم، می‌دهد.

البته منظور از برتری و تفوق دولت و قدرت مافوق، برتری و اقتدار مادی و تحمیلی نیست بلکه منظور، اقتدار و برتری بر اساس قواعد و نظامات حقوقی است؛ به عبارت دیگر منشاء و منبع این قدرت مافوق، خود مردم هستند منتها به منظور اداره امور کشور و انتظام امور مملکتی، این قدرت مافوق را که از قدرت‌های فردفرد ملت ناشی است، به هیئت حاکمه تفویض کرده‌اند. در بیان مفهوم حاکمیت علمای حقوق آلمان گفته‌اند که صفت مشخص قدرت دولت این است که جز به وسیله خودش محدود نمی‌شود، حال اگر قدرت دولت توسط قوای دیگر محدود شود ناچار مطیع اراده دیگری شده در این صورت حاکمیت خود را از دست داده است.<sup>۱</sup>

پس از بیان مفهوم حاکمیت می‌توان چنین گفت که: «قلمرو حاکمیت عبارت از تمام فضای جغرافیایی است که یک دولت در آن اعمال حاکمیت می‌کند. قلمرو حاکمیت مفهومی بسیار وسیع‌تر از مرزهای شناخته شده بین‌المللی یک کشور دارد. به این صورت که علاوه بر محدوده‌های داخل مرز یک کشور شامل دریاهای ساحلی، کشتی‌ها، هواپیماها و بعضاً سرزمین‌های اشغال شده هم می‌شود. در داخل این محدوده است که یک دولت قوانین خود از جمله قوانین جزایی که مظهر حاکمیت و سیادت آن دولت است را اجراء و نقض‌کنندگان آن را مجازات می‌کند».

در تعیین قلمرو حاکمیت از یک طرف تعریف جغرافیایی و از طرف دیگر ملاحظات سیاسی، نظامی و تجاری دخالت دارند.<sup>۲</sup> مطابق تعریف جغرافیایی قلمرو، «خاک، آب و فضای تحت حاکمیت یک دولت یعنی کلیه امکانهایی که یک دولت امکان حقوقی اعمال حاکمیت در آن‌ها را دارد، موردنظر است. جرائم واقعه در زوایای خاک یک کشور یا در کشتی‌های موجود در آب‌های تحت حاکمیت یک کشور اعم از آب‌های داخلی یا رودخانه‌هایی که در داخل کشورند یا به صورت مرز بین دو کشور قرار گرفته‌اند و نیز آب‌های ساحلی همان کشور و بالاخره جرائم واقع شده در فضای فوق خاک و آب تحت حاکمیت یک کشور همه طبق قوانین و مقررات کیفری همان کشور قابل تعقیب، محاکمه و مجازات می‌باشند».<sup>۳</sup>

اما ملاحظات سیاسی، نظامی و تجاری هم وجود دارند که محدوده‌ی قلمرو این اعمال حاکمیت را توسعه می‌بخشند. کشتی‌ها و هواپیماهای یک کشور به خصوص کشتی‌ها و هواپیماهای نظامی هم در حکم قلمرو حاکمیت به شمار آمده و رسیدگی به جرائم ارتكابی در آن‌ها در صلاحیت دولت صاحب پرچم است. همچنین سرزمین‌های تحت اشغال ارتش یک دولت هم از لحاظ اعمال صلاحیت در حکم قلمرو حاکمیت آن کشور به شمار می‌آید که در

1- حسن ارسنجانی، حاکمیت دولت‌ها، انتشارات سازمان کتاب‌های جیبی، ۱۳۴۲، صفحه ۱۰۹.

2- علی آزمایش، زمینه‌های حقوق جزایی بین‌المللی در قانونگذاری ایران، نشریه مؤسسه حقوق تطبیقی، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۵۶، صص ۱۰۵-۱۰۴.

3- همان، ص ۱۰۴.

این مورد در صفحات آینده توضیح بیشتری خواهیم داد.

با این اوصاف می‌توان گفت که: «قلمرو یک کشور علاوه بر خاک و فضای بالا و زیر آن شامل آب‌های ساحلی، سرزمین‌های اشغالی، سرزمین‌های تحت سرپرستی، کشتی‌ها، هواپیماها و وسایل نقلیه فضایی نیز می‌شود»<sup>۱</sup>.

با توجه به مطالبی که بیان شد می‌توان گفت که محدوده جغرافیایی قلمرو حاکمیت شامل سه قسمت قلمرو زمینی، قلمرو دریایی و قلمرو هوایی است که در مورد هر کدام از این‌ها بطور جداگانه به بحث و بررسی می‌پردازیم.

### الف - قلمرو زمینی

سرزمین عامل مادی و اساسی تشکیل کشور محسوب می‌گردد، بطوری که کشور فاقد سرزمین مفهومی ندارد<sup>۲</sup>. قلمرو زمینی یا خاک هر کشور محدود به سرحدات جغرافیایی آن کشور است و شامل تمام نقاطی است که حاکمیت آن کشور در آن اعمال می‌شود<sup>۳</sup>.

ممکن است در داخل این قلمرو زمینی، رودخانه‌ها یا دریاچه‌هایی هم وجود داشته باشد که این‌ها را اصطلاحاً آب‌های داخلی هم می‌نامند و جزء قلمرو زمینی یا سرزمین یک کشور به شمار می‌آیند.

قلمرو زمینی هر کشور به وسیله مرز از قلمرو حاکمیت سایر کشورها جدا می‌شود. مرزهای هر کشور حدود جغرافیایی آن کشور را مشخص می‌کند و در واقع، حد فاصل قلمرو حاکمیت دو کشور به شمار می‌آید. مرزها را به دو دسته مرزهای طبیعی و مرزهای مصنوعی تقسیم می‌کنند. مرزهای طبیعی یعنی موانعی که در طبیعت وجود دارند و عامل جدایی یک کشور از کشور دیگرند، مثل کوه‌ها، دریاها، دریاچه‌ها و رودخانه‌ها، مرزهای مصنوعی، علائم و نشانه‌های خاصی است که در مواقعی که میان دو کشور موانع طبیعی به عنوان نقاط سرحدی وجود نداشته باشد مورد استفاده قرار می‌گیرد. مانند تیرک‌های مرزی، سیم خاردار، دیوار، مدارهای جغرافیایی و غیره<sup>۴</sup>.

### ب - قلمرو دریایی

علاوه بر قلمرو زمینی، دولت‌ها از قلمرو دیگری نیز برخوردارند که قلمرو دریایی نامیده می‌شود. بعد از تثبیت اصل آزادی دریاها، در قرن هجدهم، دول ساحلی برای حفظ امنیت خود و نظارت بر رفت و آمد کشتی‌های بیگانه، حاکمیت خود را در آب‌های مجاور اعمال داشتند و یک کمربند حفاظتی موسوم به دریای سرزمینی در مجاورت ساحل خود بوجود آوردند. دریای سرزمینی تحت سلطه دولت ساحلی است و دولت مذکور می‌تواند از منابع واقع در این آب‌ها و

1- پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی، ج ۱، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۱، ص ۱۴۰.

2- محمدرضا ضیایی بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، انتشارات گنج دانش، چاپ هشتم، پاییز ۱۳۷۳، ص ۲۰۱.

3- محمدعلی هدایتی، آیین دادرسی کیفری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۴۲، ص ۲۲۲.

4- محمدرضا ضیایی بیگدلی، پیشین، صص ۲۰۳-۲۰۴.



همچنین منابع بستر و زیر بستر آن بطور انحصاری استفاده کند... تنها استثنایی که بر حاکمیت دول ساحلی موجود است حق عبور بی‌ضرر برای کشتی‌های جنگی و تجاری سایر دول است.<sup>۱</sup> بر اساس ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو، حق حاکمیت یک کشور به ماورای قلمرو خشکی و آب‌های داخلی به منطقه‌ای از دریاها متصل به سواحل آن که به دریای سرزمینی موسوم می‌باشد نیز گسترش می‌یابد.<sup>۲</sup>

یکی از انگیزه‌های اصلی دول ساحلی در استقرار حاکمیت در دریای سرزمینی تأمین امنیت کشور ساحلی و به عبارت دیگر ملاحظات دفاعی - امنیتی بوده است.<sup>۳</sup>

بنابراین قلمرو دریایی هر دولت، علاوه بر آب‌های داخلی<sup>۴</sup> شامل دریای سرزمینی هم می‌شود که عرض آن مطابق ماده ۳ کنوانسیون ملل متحد راجع به حقوق دریاها مصوب ۱۹۸۲ حداکثر ۱۲ میل دریایی تعیین شده است.<sup>۵</sup> در این منطقه از دریا دولت‌های ساحلی حق هرگونه اعمال حاکمیتی را دارند.<sup>۶</sup> البته علاوه بر دریای سرزمینی، منطقه دیگری از دریا نیز که در امتداد دریای سرزمینی وجود دارد و به نام «منطقه انحصاری اقتصادی» خوانده می‌شود، از لحاظ بهره‌برداری اقتصادی در حاکمیت دولت ساحلی قرار دارد. اما حاکمیت کشور ساحلی در این منطقه عمدتاً منحصر به بهره‌برداری از منابع اقتصادی از جمله ماهیگیری است و برای آزادی کشتیرانی کشورهای دیگر در منطقه انحصاری اقتصادی و پرواز هواپیمای آنان از فضای فوقانی آن محدودیتی وجود ندارد.<sup>۷</sup>

با این وجود مناطقی از دریا که در آن دولت ساحلی حق اعمال حاکمیت دارد، صرفاً شامل آب‌های داخلی و دریای سرزمینی است. از این رو ورود و خروج کشتی‌های بیگانه در این آب‌ها تابع رژیم خاصی است.

مطابق ماده ۱ قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲/۱/۳۱، «جمهوری اسلامی ایران، خارج از قلمرو خشکی و آب‌های داخلی و جزایر خود در خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان، بر منطقه‌ای از آب‌های متصل به خط مبدأ که دریای سرزمینی نامیده می‌شود، نیز حاکمیت دارد. این حاکمیت همچنین شامل فضای فوقانی، بستر و زیربستر دریای سرزمینی می‌باشد».

1- جمشید ممتاز، حقوق دریاها، انتشارات مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، ۱۳۵۴، صص ۱۱-۱۲.

2- مصطفی رنجبران، کلیاتی در مورد دریای سرزمینی و عبور بی‌ضرر از آن مجله حقوقی، ش ۹، پاییز و زمستان ۶۷، ص ۲۱۵.

3- همان، ص ۲۱۶.

4- آب‌های داخلی نه تنها شامل رودخانه‌ها و دریاچه‌هایی است که در داخل یک کشور محصور می‌باشد بلکه شامل آب‌هایی است که در طرف داخلی خط مبدأ دریای سرزمینی قرار دارد و بنادر، اسکله‌ها، لنگرگاه‌ها و سایر تسهیلات بندری را در بر می‌گیرد.

5- مصطفی رنجبران، پیشین، ص ۲۱۷.

6 - Michael, Akehurst, A modern..., opcit, p.p.172-173.

7- مصطفی رنجبران، پیشین، ص ۲۱۴.

### ج- قلمرو هوایی

قلمرو یک کشور نه تنها شامل سرزمین و آب‌های سرزمینی آن بلکه شامل لایه‌ای از هوا که بر فراز قلمرو زمینی و آبی آن قرار دارد، می‌گردد. این لایه هوایی تا آنجا که اتمسفر (جو) وجود دارد، ادامه می‌یابد و پس از آن منطقه ماورای جو یا فضا آغاز می‌شود.<sup>۱</sup>

ماده ۱ کنوانسیون پاریس مورخ ۱۳ اکتبر سال ۱۹۱۹ حاکمیت مطلق و انحصاری دولت‌ها را بر قلمرو هوایی مافوق سرزمین و آب‌های سرزمینی‌شان مورد تأیید قرار داده است. کنوانسیون شیکاگو مورخ ۷ دسامبر ۱۹۴۴ هم که جانشین کنوانسیون پاریس شده است این اصل را مورد تأیید قرار می‌دهد. مطابق ماده ۱ این کنوانسیون «هر دولتی دارای حاکمیت مطلق و انحصاری بر هوای مافوق سرزمین و آب‌های سرزمینی‌اش می‌باشد».<sup>۲</sup>

بنابراین با قبول اصل حاکمیت، هر دولت حق مسلم دارد که به طور مطلق، عبور و مرور هواپیماها را بر فراز قلمرو زمینی و دریایی خود تحت قواعد و ضوابطی در آورده آن را ممنوع ساخته یا برای هواپیماهای هر کشوری که مایل باشد مجاز اعلام کند.<sup>۳</sup> ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو نیز مقرر می‌دارد که حق حاکمیت مذکور شامل فضای فوقانی دریای سرزمینی، کف و زیرکف آن نیز می‌شود.

ماده ۳ قانون هواپیمایی کشوری مصوب ۱۳۲۸ هم در این خصوص تصریح دارد. مطابق این ماده «دولت حق حاکمیت مطلق و انحصاری در فضای بالای آب‌های ساحلی را دارا می‌باشد». هواپیماهای یک کشور حق دارند بر فراز دریای آزاد پرواز نمایند اما نمی‌توانند بر فراز قلمرو زمینی و دریای سرزمینی دولت‌های دیگر پرواز نمایند. نقض حریم هوایی دولت دیگر نقض جدی حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود.<sup>۴</sup> به عنوان مثال جالب است به این نکته اشاره کنیم که در سال ۱۹۶۰ هواپیمای تجسسی آمریکا بر فراز خاک شوروی مورد حمله قرار گرفت و ساقط شد. شوروی بلافاصله اجلاس سران آمریکا و شوروی را لغو کرد که این عمل یک نوع اعتراض به نقض حریم هوایی آن کشور بود. آمریکا هم به هدف قرار گرفتن هواپیمای خود اعتراض نکرد.<sup>۵</sup>

اما در خصوص این که آیا می‌توان مطابق موازین حقوق بین‌الملل هواپیمایی را که حریم هوایی کشور دیگر را نقض کرده است مورد حمله قرار داد یا خیر؟ اختلاف نظر وجود دارد.<sup>۶</sup> گفته شده است که طبق حقوق عرفی بین‌المللی، دولت‌ها در تلاش برای کنترل حرکت هواپیمایی که به طور غیر موجه وارد قلمرو هوایی آن‌ها شده نباید هواپیما و سرنشینانش را در

1- هوشنگ مقتدر، حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ اول، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲، ص ۲۵۷.

2- سیدحسن صفوی، حقوق بین‌الملل هوایی و فضایی، ج ۱، موسسه خدمات چاپ، تیرماه ۱۳۶۲، ص ۱۵۴.

3- همان، ص ۱۴۲.

4 - Micheal, Akehurst, A modern..., opcit, p.197.

5 - Ibid, p.197.

6 - Ibid, p.p. 197-199.

معرض خطر غیرضروری و نامعقول قرار دهند. معنی عبارت فوق این است که یک دولت نباید هواپیمای متخلف را مورد حمله قرار دهد مگر این که هواپیما را برای امنیت خود یک خطر فوری و جدی تلقی کند.<sup>۱</sup>

نکته دیگری که در این مبحث قابل ذکر است این که حق حاکمیت دولت ساحلی بر دریای سرزمینی دارای استثناء «حق عبور بی‌ضرر» است. اما این حق عبور بی‌ضرر در مورد هواپیماهای خارجی به هیچ وجه وجود ندارد و استفاده انحصاری از فضای بالای دریای سرزمینی مخصوص دولت ساحلی است.<sup>۲</sup>

در پایان، ذکر این نکته هم لازم است که علاوه بر قلمرو هوایی، قلمرو دیگری به نام قلمرو فضایی (ماورای جو و کرات آسمانی) نیز وجود دارد. معمولاً کشورها، ماهواره‌های خود را به محدوده‌ی این قلمرو می‌فرستند «محل دقیق تفکیک بین انتهای قلمرو هوایی و شروع قلمرو فضایی مشخص نیست، ولی اهمیت هم ندارد. چرا که حداقل جایی که ماهواره‌ها می‌توانند در فضا به چرخش در آیند حداقل دو برابر حداکثر ارتفاعی است که هواپیماها می‌توانند به پرواز در آیند».<sup>۳</sup>

نکته مهم در اینجا این است که قلمرو فضایی بر خلاف قلمرو هوایی در حاکمیت هیچ دولتی نیست بلکه استفاده از آن برای همه کشورها برای هدف‌های مسالمت‌آمیز آزاد می‌باشد.<sup>۴</sup>

علاوه بر قلمرو زمینی، دریایی و هوایی که از آن‌ها مجموعاً تحت عنوان قلمرو حاکمیت نام بردیم، موارد دیگری نیز وجود دارند که بنا به ملاحظات خاصی از لحاظ آثار و نتایج مترتب بر آن‌ها در حکم قلمرو حاکمیت به شمار می‌آیند. این موارد شامل کشتی‌ها، هواپیماها، سرزمین‌های اشغال شده و سفارتخانه‌ها می‌شوند. برخی از حقوقدانان از کشتی‌ها و هواپیماها به عنوان قلمرو یا سرزمین فرضی یاد می‌کنند.<sup>۵</sup>

کشتی‌های هر کشور را می‌توان جزء قلمرو آن کشور به شمار آورد. بنابراین اگر جرمی در کشتی‌های یک کشور واقع شود، اصولاً باید آن جرم را ارتکاب یافته در قلمرو آن کشور محسوب نمود.<sup>۶</sup> با این اوصاف اصل صلاحیتی حاکم بر جرائم ارتكابی در کشتی‌ها اعم از تجاری و جنگی، اصل صلاحیت سرزمینی است که دولت صاحب پرچم آن را اعمال می‌کند. این در

---

1- هوشنگ مقتدر، پیشین، ص ۲۶۰.

2 - Micheal, Akehurst, *A modern...*, opcit, p.172.

3 - *Ibid*, p.p. 199-200.

4- هوشنگ مقتدر، پیشین، ص ۲۶۵.

5- پیر. بوزا و ژان، پیناتل، مجموعه حقوق جزا و علوم جنایی، ج ۲، ترجمه هوشنگ فرزانی، کانون و کلا، ش ۱۴۱، سال ۲۹، زمستان ۲۵۳۶، ص ۹۳.

6- مرتضی محسنی، دوره حقوق جزای عمومی، ج ۲، چاپ دوم، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۶، ص ۳۹۳.

صورتی است که کشتی در آب‌های داخلی یا سرزمینی کشور صاحب پرچم<sup>۱</sup> و یا دریای آزاد یا مناطقی که تحت حاکمیت هیچ کشوری نیست حضور داشته باشد<sup>۲</sup>. اگر کشتی در قلمرو حاکمیت کشورهای دیگری مثلاً در آب‌های سرزمینی آن‌ها باشد، تعارض از جهت صلاحیت رسیدگی بین مراجع قضایی دولت ساحلی و کشور صاحب پرچم به وجود می‌آید. از این رو برای رفع تعارض بر حسب این که کشتی مذکور، تجاری یا جنگی باشد احکام خاصی برای آن ذکر شده است.

مطابق ماده ۱۹ عهدنامه ۱۹۵۸ ژنو در زمینه دریای سرزمینی و منطقه نظارت و ماده ۲۷ عهدنامه‌ی ۱۹۸۲ حقوق دریاها، اصولاً دولت ساحلی از اعمال صلاحیت کیفری و مدنی بر کشتی‌های تجاری خارجی که از آب‌های سرزمینی‌اش عبور می‌کنند، خودداری می‌کند. بنابراین در صورتی که در کشتی حین عبور از دریای سرزمینی، جرم واقع شود، دولت ساحلی از اعمال صلاحیت کیفری در رابطه با توقیف فرد یا انجام تحقیقات کیفری خودداری می‌کند مگر در موارد زیر:

الف- چنانچه نتایج جرم به کشور ساحلی سرایت کند.

ب- چنانچه جرم از نوعی باشد که آرامش کشور ساحلی یا نظم دریای سرزمینی را مختل سازد.

ج- چنانچه ناخدای کشتی یا مأمور دیپلماتیک یا کارمند کنسولی کشور صاحب پرچم از مقامات محلی درخواست کمک و یاری کرده باشد.

د- چنانچه این تدابیر به منظور جلوگیری از معامله غیرمجاز مواد مخدر و داروهای روان‌گردان لازم باشد.

در هر صورت کشور ساحلی حق دارد کشتی‌های خارجی را که مبدا حرکتشان آب‌های داخلی بوده است هنگام عبور از دریای سرزمینی به استناد مقررات بین‌المللی خود، توقیف و از سرنشینان آن‌ها بازجویی نموده یا به توقیف هر یک از آنان مبادرت ورزد. بنابراین خارج از فرض‌های یاد شده، کشور ساحلی نسبت به کشتی‌های خارجی صلاحیت هیچ‌گونه اقدامی را در دریای سرزمینی ندارد<sup>۳</sup>.

اما در مورد کشتی‌های جنگی عقیده عموم بر آن است که رسیدگی به جرائم واقع شده در کشتی‌های جنگی که در آب‌های ساحلی در حرکتند بدون استثناء در صلاحیت دولت صاحب پرچم است<sup>۴</sup>. کشتی‌های جنگی حتی در آب‌های داخلی دولت‌های دیگر هم از صلاحیت کیفری

---

1- کشور صاحب پرچم به کشوری گفته می‌شود که کشتی، پرچم آن را بر فراز خود دارد. پرچم مبین ملیت کشتی و قوانین حاکم بر آن است. در این خصوص رجوع کنید به: دیدخت، صادقی حقیقی، ثبت کشتی‌ها و حقوق بین‌الملل با تأکید بر پدیده پرچم‌های مصلحتی، انتشارات کیهان، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۳، ص ۸.

2 - Micheal, Akehurst, *A modern..., opcit*, p.183.

3- محمدرضا ضیایی بیگدلی، پیشین، صص ۳۱۶-۳۱۷.

4- مرتضی محسنی، پیشین، ص ۳۹۴.